

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

آلبر ژکر Albert Jacquard

برگردان از: حمید محوی

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۴

هوشمندی چیست ؟

ژنتیک شناس مشهور در سن ۸۷ سالگی درگذشت. وقتی کتاب «داستان فردا» «Légende de demain» را در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد، در مصاحبه با مجله «نوول ابسرواتور» بر این باور بود که اندازه گیری هوش کار احمقانه ای است.

مطالب این نوشته توسط فابین گروئه Fabien Gruhier برای مجله نوول ابسرواتور تهیه شده است.

۲۰۱۳/۰۹/۱۲



سال ۱۹۲۵ به دنیا آمد، از مدرسه پلی تکنیک فارغ التحصیل شد، آلبر ژکر ژنتیک شناسی بود که در جبهه چپ مبارزه می کرد و طرفدار مهار رشد و خروج از دوران هسته نی بود. او نویسنده پر کاری بود و ۱۲ اثر علمی به زبان ساده و قابل درک برای عموم از خود به یادگار گذاشته است. او روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۳ در پاریس، در سن ۸۷ سالگی درگذشت.

از دیدگاه آلبر ژکر، کودکان استثنائی در رابطه با برخی موضوعات و زمینه ها سریع تر از دیگران هستند. ولی او می پرسد که درک موضوعی در سن ۱۳ سالگی چه مزیتی به درک آن در سن ۱۸ سالگی دارد ؟ مصاحبه با نویسنده «داستان فردا» (توسط انتشارات فلاماریون).

نوول ايسرواتور آیا کودکان استثنائی (یا با استعداد برتر) وجود دارند یا نه ؟

آلبر ژکر نه ! به هیچ عنوان فکر نمی کنم، و علاوه بر این درباره این موضوع با رمی شونون Rémy Chauvin که جانور شناس بود مدتها بحث و جدل داشتیم، او سال ۱۹۷۵ مشخصاً کتابی تحت عنوان «استثنائی ها» (یا استعداد برتر) («les Surdoués») منتشر کرده بود. به دو دلیل، استثنائی یا با استعداد برتر نمی تواند وجود داشته باشد : ابتداء می بینیم که در اصطلاح استعداد یا هوش برتر، کلمه برتر وجود دارد که فوراً به درجه بندی یا هیرارشی رجوع می کند.

ولی هوش و استعداد برتر نسبت به چی و به کی ؟

وقتی به این هیرارشی فکر کنیم که روی یک سنجه پایه گذاری شده، یعنی همان چیزی که ضریب هوشی می نامند، فوراً درمی یابیم که نظریه بسیار مخدوش است. سنجش هوشی ؟ آیا ممکن است بتوانیم مدعی شویم که می توانیم این واقعیت چندین وجهی را به یک رقم بیچاره تنزل دهیم ؟ واقعاً احمقانه است. در غیر این صورت باید برای زیبایی هم یک ضریب زیبایی ایجاد کنیم. وقتی موضوع ضریب زیبایی را مطرح کردم، همه با تمسخر خندیدند. من فکر می کنم همه باید به ضریب هوشی نیز با تمسخر بخندند.

و اما دومین دلیل ؟

البته ! در «استعداد برتر» در عین حال مفهوم استعداد و مستعد وجود دارد. یعنی فردی که از استعداد برخوردار است. یعنی استعدادی که باید داده طبیعی بدانیم. کاندائی های کبک کلمه مهارت را اختراع کرده اند یعنی کسب قابلیت برای هوشمند شدن یا مستعد بودن. باید پرسیم که چگونه طبیعت در ژن های ما به ثبت می رسد، در نتیجه باید به این فرض باور داشته باشیم که باید ژن های خاصی برای هوش وجود داشته باشد. ولی تنها ژن های حماقت است که مغز را تخریب می کند. ولی حماقت و دیوانگی ضد هوشمندی نیست، زیرا به مقوله بیماری ها تعلق دارد. به همان شکلی که بمب «ویرانگری» می تواند وجود داشته باشد که به عنوان مثال کاخ ورسای را تخریب کند، ولی بمب «خوب» وجود ندارد که قادر به ساختن آن باشد. به همین نسبت ژن هوشمند نیز وجود ندارد. ژن ها هیچ دخالتی در اتصال نوروها ندارد.

نوول ايسرواتور با این وجود در مدرسه دیده می شود که برخی بچه ها درخشش بیشتری نسبت به بقیه دارند، اینطور نیست ؟

آلبر ژکر گفتید درخشش. آیا چنین مواردی به مفهوم هوشمندی فوق العاده است ؟ هوش قابلیت درک است. ولی درک عمیق هر چیزی همیشه روندی طولانی را در بر می گیرد. هوشمندی واقعی این است که دریابیم که نفهمیده ایم. یک نمونه نوعی این واقعیت آلبرت آشتاین است که دردوران تحصیلهش شاگرد چندان درخشانی نبود و در هر صورت به گروه کودکان به اصطلاح استثنائی یا فوق العاده باهوش تعلق نداشت، ولی هیچ کس نمی تواند مدعی شود که او فرد باهوشی نبوده است. با این وجود درک این موضوع که نفهمیده ایم، خیلی هوشمندانه تر است از وقتی که فکر کنیم که فهمیده ایم؟ وجه مشخصه کودکی که به عنوان هوشمند معرفی می کنند، این است که اعتماد به نفس دارد و به این عادت خود گرفته و خودش را تحمیل می کند و یا نشان می دهد. این یک موضوعی است که بیشتر به ماجراجویی اجتماعی مرتبط می باشد.

روزی یک پسر جوان ۱۴ ساله در یکی از دبیرستان حومه های پر مشکل از من پرسید : «موسیو، آیا در صورتی که فردی برگه سوء پیشینه داشته باشد می تواند ژنتیک شناس شود؟» این پرسش من را تحت تأثیر قرارداد. این پسر جوان سوء پیشینه نداشت... ولی می دانست که دیر یا زود چنین سوء پیشینه ای در پرونده اش خواهد داشت. شاگرد درخشانی

نبود، ولی خیلی چیزها را درک کرده بود. هوشمندی، همواره در غایت یک ماجراجویی فردی است که تحت تأثیر محرکات بیرونی بوده و هیچ ارتباطی با ژنتیک ندارد.

نوول ايسرواتور ولی چگونه می توانیم خصوصیت آن را تشخیص دهیم، و چگونه ساخته می شود؟

آلبر ژکر می توانیم هوش را به شمار سیناپس ها نسبت دهیم؟ نقاط اتصال سلول های عصبی یا نورون ها. بر این اساس تقریباً ۱۰۰ میلیارد نورون توسط ۱۰ میلیون میلیارد سیناپس به یکدیگر متصل هستند. فوراً می بینیم که ژنتیک قادر به مداخله در این زمینه نیست: چگونه ۱۰۰۰۰۰۰ اطلاعات ژنوم ما می تواند ۱۰۰۰۰۰ میلیارد نقطه اتصال را در برگیرد؟

بیش از این هست و من محاسبه کرده ام: بین تولد یک کودک و دوران بلوغ، ۳۰۰ میلیون ثانیه می گذرد. در پایان این مدت، ۱۰ میلیون میلیارد سیناپس خواهیم داشت. این روند به این معنا خواهد بود که بی وقفه طی پانزده سال، ۳۰ میلیون سیناپس در هر ثانیه به وجود می آید. چگونه انتظار دارید که برنامه ژنتیک بتواند پدیده ای به این وسعت سرسام آور را کنترل کند؟ الزاماً، چنین ساختاری برای سیناپس ها توسط اطلاعات و تحریکاتی که منشأ بیرونی دارد هدایت می شود. از این دیدگاه من فکر می کنم، به عنوان مثال، نوازشی که کودک از جانب مادر دریافت می کند (یا دریافت نمی کند) در ساخت و ساز هوش نقش مهمی بازی می کند.

نوول ايسرواتور آیا کودکانی که دارای هوش برتری هستند بیشتر و یا بهتر از دیگران مورد نوازش والدین خود قرار گرفته اند؟

آلبر ژکر این تنها یکی از وجوه مسأله است... به شکل عمیقتری، من فکر می کنم که کودکانی که با استعداد تشخیص داده شده اند روی برخی زمینه ها سریع تر از دیگران هستند. در نتیجه، سرعت تنها یکی از ترکیبات آن چیزی است که هوش می نامند. ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که چنین سنجه به عنصر اساسی تعبیر شود. چه مزیتی وجود دارد که در ۱۳ سالگی یا ۱۴ سالگی یا ۱۸ سالگی فهمیده شود؟ مهم این است که چیزی فهمیده شود، غالباً وقتی از «سرعت» حرف می زنند، در واقع از «سطحی بودن» حرف می زنند: در نتیجه پر استعدادها افراد سطحی هستند.

متأسفانه، در این جا و در خیلی از موارد دیگر در ارزش گذاری سرعت به دام نظریه حاکم در جامعه کنونی می افتیم. نباید سرعت را با درک عمیق مسائل اشتباه بگیریم. من در تدریس ژنتیک به دانشجویان سال اول پزشکی، پی برده ام که به طور متوسط دخترها بهتر هستند. آیا این نتیجه گیری را باید به این معنا درک کنیم که پسرها از هوش کمتری برخوردارند؟ من فکر می کنم که توضیح منطقی تری وجود دارد: در این سن و سال، دخترها بیشتر به تحصیل فکر می کنند، ولی پسرها بیشتر به دخترها فکر می کنند...

منبع:

<http://bibliobs.nouvelobs.com/essais/20130912.OBS6824/albert-jacquard-qu-est-ce-que-cela-veut-dire-l-intelligence.htm>

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۰۱۴/۱۰/۱۵